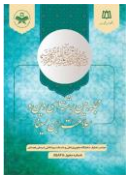
JORH
Journal of Religions & Health
J Religions & Health, 2024; 4(1): ----. Doi: 10.32592/joorh.4.1.---
https://aijrh.umsha.ac.ir/



Original Article

Mental Health in Sermon 108 of Nahj al-Balagha

Giti Kolaei[1], Pari Davan Allamezadeh[2], Maryam Shamsaei[3*]

1. Graduate of the 4th level of the Seminary, Jameat Al-Noor, Shiraz, Iran
2. 4th level student of Al Noor Shiraz Seminary, Shiraz, Iran
3. Islamic Studies Department and Quran Research Center, Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran

Article history:
Received: 27 July 2023
Revised: 27 September 2023
Accepted: 01 November 2023
ePublished: 11 November 2023

***Corresponding author:** Maryam Shamsaei, Islamic Studies Department and Quran Research Center, Shiraz University of Medical Science, Shiraz, Iran

Email: Shamsaie2008@yahoo.com

Abstract

Background and Objective: Paying close attention to all dimensions of human existence is one of the topics to consider in health. Health encompasses four dimensions: physical, mental, social, and spiritual. In this article, the psychological dimension of human health is considered. Moral virtues and vices are symbols of the health of the human soul or its illness, and divine prophets, infallible leaders, and moral teachers, are spiritual doctors, and their commands are healing medicines. The central focus of this article is the clarification of the Prophet's (PBUH) attributes with reference to a hadith from Nahjul-Balagha, referring to mental illnesses and their treatment methods.

Materials and Methods: The present article, focusing on the topic and its nature, has used the descriptive, analytical and library method in an inferential and inferential way from the Qur'anic verses and hadiths. After collecting the documents, the data were analyzed and for this purpose, all the relevant information was collected by referring to religious and medical first-hand sources and articles and publications related to Quranic teachings and psychology, medicine and religion. Therafer, the collected materials were categorized and analyzed according to the objectives and questions of the research.

Results: The necessity of providing original texts with appropriate categories and compilations in finding clear answers to modern issues of human life and thinking and drawing a healthy human life in the age of neglect and oblivion when people are engaged in various professions and tendencies, none of which will ultimately be the way to salvation prompted us to pay close attention to the text of a hadith by Imam Ali (peace be upon him) about the attributes of the beloved Prophet of Islam in this research. This hadith is found in Nahj al-Balagha, sermon 108, which consists of various sections; nonetheless, a part of this sermon is the focus of this article.

Conclusion: By expressing the infallible qualities and characteristics of Imams, especially the Prophet, Sermon 108 of Nahj al-Balagheh compares them to a doctor who seeks to cure the disease of humans and tries to cure it by identifying the impacts of the disease. To treat the disease of neglect and confusion, it is necessary to treat the human heart, ear, and tongue, and in this treatment, the levels of treatment should be observed from degrees of softness to severity and strictness.

Keywords: Mental health, Nahj al-Balagha, Spiritual health, Tabib Dawar

Please cite this article as follows: Kolaei G, Davan Allamezadeh P, Shamsaei M. Mental Health in Sermon 108 of Nahj al-Balagha. J Religions & Health. 2024; 4(1): ---. DOI: 10.32592/jorh.4.1.---

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

Copyright © 2023 Journal of Religions and Health. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cite

JOHE
مجله بین رشته ای دین و سلامت ابن سینا
دوره ۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳، صفحات
https://aijrh.umsha.ac.ir/
UMSHA Press



مقاله پژوهشی

سلامت روان در خطبه‌ی ۱۰۸ نهج‌البلاغه

گیتی کلایی[۱]، پری دوان علامه زاده[۲]، مریم شمسایی[۳*]

۱. دانش‌آموخته‌ی سطح ۴ حوزه، مدرس حوزه و دانشگاه، جامعه النور، شیراز، ایران
۲. طلبه‌ی سطح ۴ حوزه‌ی علمیه‌ی جامعه النور شیراز، شیراز، ایران
۳. گروه معارف اسلامی و مرکز تحقیقات *قرآن* و حدیث، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۰۵/۰۵
تاریخ ویرایش مقاله: ۱۴۰۲/۰۷/۰۵
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۱۰
تاریخ انتشار مقاله: ۱۴۰۲/۰۸/۲۰

تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی همدان محفوظ است.

* **نویسنده مسئول:** مریم شمسایی، گروه معارف اسلامی و مرکز تحقیقات *قرآن* و حدیث، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

ایمیل: Shamsaie2008@yahoo.com

چکیده

سابقه و هدف: یکی از مباحث درخور تأمل در بعد سلامت توجه به تمام ابعاد وجودی انسان است. سلامت ابعادی چهارگانه دارد که شامل سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی است. در این نوشتار به بعد روانی سلامت انسان توجه شده است. فضایل و رذایل اخلاقی نمادهای سلامت روح انسان یا بیماری آن هستند و پیامبران الهی، پیشوایان معصوم و استادان اخلاق طبیبان روحانی‌اند و فرمان‌های آن‌ها داروهای شفابخش است. کانون محوری این نوشتار تصریح صفات پیامبر (ص) با عنایت به حدیثی از نهج‌البلاغه است که التفات به بیماری‌های روانی و راهکار درمان آن‌ها را خاطرنشان ساخته است.

مواد و روش‌ها: نوشتار حاضر با امعان به موضوع و ماهیت آن، از روش توصیفی‌تحلیلی و کتابخانه‌ای به شیوه‌ی استنباطی و استنتاجی از آیات قرآن و روایات بهره برده است. پس از جمع‌آوری اسناد و مدارک به تحلیل داده‌ها پرداخته شد و برای این منظور همه‌ی اطلاعات مدنظر با مراجعه به منابع دست اول دینی و پزشکی و مقالات و نشریات مرتبط با معارف قرآنی و روان‌شناسی، طب و دین جمع‌آوری شد و سپس مطالب گردآوری‌شده با توجه به اهداف و سؤالات پژوهش دسته‌بندی و تجزیه‌وتحلیل شد.

یافته‌ها: ضرورت عرضه‌ی متون اصیل با دسته‌بندی‌ها و تدوین‌های مناسب در پاسخ‌یابی روشن مسائل نوین زندگی و تفکر بشری و ترسیم حیات سالم انسانی در روزگار غفلت و اغفال انسان سرگرم‌شده به مسلک‌ها و گرایش‌های گوناگون که هیچ‌یک در نهایت راه نجات نخواهد بود، ما را بر آن داشت تا در این پژوهش متن حدیثی از حضرت علی (ع) راجع به صفات پیامبر گرامی اسلام (ص) را بررسی کنیم. این حدیث در خطبه‌ی ۱۰۸ نهج‌البلاغه آمده است و بخش‌هایی متعددی دارد، اما یک بخش از این خطبه منظور این نوشتار است.

نتیجه‌گیری: خطبه‌ی ۱۰۸ نهج‌البلاغه با بیان صفات و ویژگی‌های معصومان، به‌خصوص پیامبر، آنان را به طبیبانی تشبیه می‌کند که به دنبال درمان بیماری انسان‌ها هستند و با شناسایی مواضع تأثیر بیماری درصدد علاج آن برمی‌آیند. برای درمان بیماریِ غفلت و سردرگمی لازم است درمان‌ها متوجه قلب، گوش و زبان انسان باشد و در این درمان مراتب علاج از درجات نرم تا سخت رعایت شود.

واژگان کلیدی: سلامت معنوی، سلامت روان، نهج‌البلاغه، طبیب دوار

استناد: کلایی، گیتی؛ دوان علامه زاده، پری، شمسایی. سلامت روان در خطبه‌ی ۱۰۸ نهج‌البلاغه. مجله بین رشته ای دین و سلامت ابن سینا، بهار و تابستان ۱۴۰۳؛۴(۱): ----

مقدمه

در طول تاریخ تکوین دین و معارف دینی، جریان‌های فکری و جهان‌بینی‌های گوناگون و همچنین روش‌های علمی و تجربی متفاوتی در جامعه‌ی انسانی وجود داشته است و در آینده نیز به وجود خواهد آمد. برخی از مسائل مطرح‌شده در این جریان‌ها از مبانی دینی اخذ شده‌اند و برخی دیگر به مبانی ادیان نزدیک‌اند، اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که اساس دین و شناخت معارف

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

حقه‌ی دین با مبانی جریان‌ها و مکاتب فکری ساخته‌ی بشر متفاوت است. زیربنای معارف دینی وحی به انبیای الهی و اساس علوم بشری تجربه‌ی ناقص، محدود و استنباطات انسانی است. این تفاوت در درمان بیماری‌های روحی‌روانی و معضلات زندگی بشر به‌خوبی هویداست.

در عصر حاضر، به‌ویژه در سال‌های اخیر، مسائلی ظهور کرد که سبب شد متفکران دینی و عالمان مذهبی به معضلات بشری از منظر دین و مذهب پاسخ دهند و موضعی دینی ارائه کنند. از این میان، برخی افراد با غرض‌ورزی و در پاره‌ای موارد با ناآگاهی، مبانی دینی را با غیر آن آمیختند و به عموم مردم ارائه کردند؛ بنابراین، معلومات مذهبی برخی پاسخ‌دهنده‌ها به‌علاوه‌ی برداشت‌ها و اجتهادهای شخصی و اطلاعات آن‌ها از دیگر فرهنگ‌ها و مکتب‌ها به نام پاسخ مذهب به مسائل مطرح شد و این امر سبب شد تا پاسخ برخی متفکران اسلامی آمیخته‌ای از تعالیم دین و غیردین باشد.

علاوه بر این، تبلیغات و مسلک‌های جدید، که بیشتر از غرب سرازیر می‌شود، موجب شد در برداشت‌ها، دریافت‌ها و اندیشه‌ها دگرگونی پدید آید؛ بنابراین، بسیاری از اصالت‌ها متزلزل شد یا از بین رفت و اصول و مبانی دستخوش تفسیری بر مبنای ذهنیات وارداتی شد. از اینجا اهمیت بازگشت به متون اصلی قرآنی و حدیثی ائمه‌ی معصوم (ع) به‌خوبی احساس می‌شود. تأکید بر لزوم رجوع به متون دینی بدون دخل و تصرف برای این است که راه هرگونه کج‌فهمی و فرسایش تعالیم دینی بسته شود و دستورات جان‌بخش کتاب خدا و کلام پیشوایان، که مطابق فطرت است، از هرگونه آمیختگی با تفکرات و برداشت‌های فردی مصون بماند. تأکید بیشتر برای تداوم اثرگذاری این تعالیم در جان‌ها و در نتیجه در جامعه و تضمین استمرار اثر آن‌هاست. ضرورت عرضه‌ی متون اصیل با دسته‌بندی‌ها و تدوین‌های مناسب در پاسخ‌یابی روشن مسائل نوین زندگی و تفکر بشری و ترسیم حیات سالم انسانی در روزگار غفلت و اغفال انسان سرگرم‌شده به مسلک‌ها و گرایش‌های گوناگون، که هیچ‌یک در نهایت راه نجات نخواهد بود، ما را بر آن داشت تا در این پژوهش متن حدیثی از حضرت علی (ع) درباره‌ی صفات پیامبر اسلام (ص) را به‌طور دقیق بررسی کنیم. این حدیث بیان‌کننده‌ی چگونگی رفع مشکلات روحی‌روانی و درمان غفلت و حیرت انسان است. برای توضیح و تفسیر این حدیث به آیات و روایاتی استناد می‌شود که ناظر به کلمات و مفاهیم به‌کاررفته در حدیث است. برخورد مجموعی با آیات و احادیث در تفسیر و بیان مفهوم اصلی آن‌ها و استفاده‌ی تفقهی، علاوه بر اینکه امکان برداشت شخصی و مسلکی را کمتر می‌کند، می‌تواند در گستره‌های عملی، سبک زندگی جوامع اسلامی، خانواده و فرد تحول ایجاد کند و حقایق بی‌مانند موجود در معارف و تعالیم اسلامی را که شاید مغفول و مجهول مانده است، عرضه کند. از متون مرتبط می‌توان به کتاب آیت‌الله مکارم شیرازی به نام *پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام شرح تازه و جامعی بر نهج‌البلاغه*، کتاب *المیزان* علامه طباطبایی، *شرح نهج‌البلاغه* اثر مهدی جعفری و کتاب *سلامت معنوی از دیدگاه اسلام* از مجتبی مصباح اشاره کرد. در تمام این کتب به شرح حدیث ۱۰۸ کتاب *نهج‌البلاغه* پرداخته شده است، اما مقاله‌ای که به‌صورت مبسوط به مفهوم طبیب دوار پرداخته باشد مشاهده نشد.

خطبه‌ی ۱۰۸ *نهج‌البلاغه* بخش‌های متعددی دارد، اما یک بخش از این خطبه منظور این مقاله است. خطبه از پنج بخش تشکیل شده است [۱]. حضرت علی (ع) در بخش اول به حمد و ثنای الهی می‌پردازد. بخش دوم راجع به فضایل پیامبر اکرم (ص) است. در بخش سوم به صفت ممتاز پیامبر (ص)، که همان طبیب بودن ایشان است، توجه می‌شود. در بخش چهارم حضرت علی (ع) به سرزنش یاران سست‌ایمان خود می‌پردازد و بخش پنجم به نصیحت و اندرز آن‌ها اختصاص دارد. چنانکه بیان شد، این پژوهش به بخش سوم این خطبه نظر دارد که از طبیب بودن پیامبر (ص) و راه‌های علاج بیماری صحبت می‌شود. امام (ع) در این فراز از خطبه به بیان اوصافی از پیامبر (ص) می‌پردازد و می‌فرماید: «او طبیب سیاری است که با طب خویش همواره در گردش است (و در جست‌وجوی بیماران) مرهم‌هایش را کاملاً آماده ساخته و ابزارش را برای موارد نیاز (به‌عنوان آخرین درمان) برای داغ کردن محل زخم‌ها، برای قلب‌های نابینا، گوش‌های ناشنوا و زبان‌های گنگ گداخته کرده است و با داروی خود در جست‌وجوی بیماران غافل و سرگردان است» [۱].

در شرح حدیث آمده است که غالب شارحان *نهج‌البلاغه* اوصافی را که در این فراز آمده است اشاره به اوصاف خود امام (ع) دانسته‌اند که بعد از بیان اوصاف پیامبر (ص) آمده است. امام (ع) خود را طبیب سیاری می‌داند که وسایل علاج را فراهم کرده است، گویی اجماع شارحان *نهج‌البلاغه* بر این معناست. آمدی در *غرر الحکم* این فراز از خطبه را ادامه‌ی بیان صفات پیامبر (ص) می‌داند و می‌نویسد که این اوصاف درباره‌ی پیامبر اکرم (ص) است [۱] (به نقل از آمدی، ج۴، ۱۷۹۴). علامه جعفری امام علی (ع) را طبیبی الهی می‌داند که دوابه‌دست در جست‌وجوی بیماران است و داروهای خود را به بهترین وجه تعبیه می‌کند و طرق نهایی معالجه را که در آن دوران داغ کردن می‌نامیدند، همراه خود دارد و بیماران را مداوا می‌کند [۲]، اما ارتباط این جمله با جمله‌های قبلی از یک سو و انطباق دقیق آن بر اوضاع پیامبر اکرم (ص) از سوی دیگر تأیید می‌کند که این اوصاف درباره‌ی رسول خداست [۱]. جای تعجب است که چگونه هیچ‌یک از شارحان *نهج‌البلاغه* این مطلب را لااقل در حد احتمال مطرح نکرده‌اند، درحالی‌که هیچ شاهد و قرینه‌ای برای ادعای خودشان اقامه نکرده‌اند [۱]. تطبیق این صفات با پیامبر اکرم (ص) از این استدلال تأیید می‌شود، هرچند این صفات در شخص امام (ع) نیز بارز بوده و بر ایشان و همه‌ی ائمه‌ی معصوم (ع) منطبق است. امام (ع) به این نکته اشاره می‌کند که کسانی در اثر گناه و هواپرستی و غفلت، چشم دل‌هایشان نابینا شده است و گوش شنوا را برای گرفتن پیام حق از دست داده‌اند و زبان گویا برای ذکر حق ندارند [۱]. مرض نابینایی دل به‌واقع ام الامراض روحی آدمیان است که متأسفانه با درجات مختلف، بیشتر انسان‌ها به آن مبتلا هستند

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

[۲]. امام (ع) در ادامه به جامعیت درمان او اشاره می‌کند که نخست برای درمان زخم‌های جان‌کاه از انواع مرهم‌های شفابخش استفاده می‌کند و در پایان کار، اگر هیچ مرهم و دارویی اثر نگذاشت، برای نجات جان بیمار ناچار محل زخم را داغ می‌کند و به این ترتیب وظیفه‌ی بشارت و انذار را به‌طور کامل انجام می‌دهد [۱]. به‌هرحال این طبیب روحانی سیار همه‌جا با حساب و برنامه گام برمی‌دارد و با دم مسیحایی‌اش دردمندان را درمان می‌کند و در کالبد مردگان روح و حیات می‌دمد [۱]. با توجه به این فراز خطبه، نیاز انسان به طبیب روحانی ضروری می‌نماید؛ زیرا امراض جسمانی بقای مادی انسان را در خطر قرار می‌دهند، اما امراض روحی‌روانی حیات جاودانی انسان را خدشه‌دار خواهند کرد. پیامبر اسلام (ع) به‌مثابه‌ی طبیب در پی مداوای بیماری‌های خلق از راه نرمش و ملایمت بوده و در مراحل بعد، از سخت‌گیری و شدت استفاده می‌کرده است. این‌گونه برخورد همان تشریع امر به معروف و نهی از منکر عملی است که می‌تواند در تمام جوانب سبک زندگی مردم مؤثر باشد. ازاین‌رو هدف از نگارش این مقاله استحصال نیکوترین سیاق مواجهه با امراض روانی به‌گونه‌ی کلی است، به طریقی که با آموزه‌های دینی تطابق داشته و در تکوین سبک صواب در زیست جامعه‌نگر انسان‌ها ثمربخش باشد تا افراد از کنار هم بودن احساس خرسندی کنند.

مهدی جعفری در کتاب شرح *نهج‌البلاغه* طبیب دوار را به معنی طبیب سیاری می‌داند که در یک جا ساکن نباشد. اینکه در این حدیث پیامبر (ع) طبیب دوار معرفی می‌شود، ظاهراً اشاره به این است که پیامبر (ص) مانند طبیب جسم در مطب یا بیمارستان نمی‌نشیند تا بیمار به سراغ او بیاید، بلکه وسایل دارو و درمان را آماده می‌کند و به دنبال بیمار می‌گردد تا بیماری روحی و اخلاقی را درمان کند. بیماری روحی به‌مراتب مهم‌تر و خطرناک‌تر از بیماری جسمی است. گفته‌اند آن بیماری روحی که ناشی از ارتکاب معاصی و پلیدی‌هاست، به دو قسم اساسی تقسیم می‌شود: قسم یکم بیماری‌های اساسی‌ای است که آن‌ها را اصول بیماری‌های روحی نیز می‌توان نامید و قسم دوم بیماری‌های فرعی و معمولی‌ای است که معلول‌های آن اصول است [۲]. مجتبی مصباح در کتاب *سلامت معنوی از دیدگاه اسلام* بیان می‌کند که سلامت با رویکرد جامع و نگاه انسان‌شناختی از مسائل مهم در حوزه‌ی علوم پزشکی است. ابن سینا در دو کتاب *شفا* و *قانون* صحت و سلامت را ملکه یا حالتی می‌داند که در آن هریک از جوارح و اعضای انسانی کار مربوط به خود را درست انجام می‌دهد؛ مثلاً مزاج انسانی امر جذب و دفع را خوب انجام دهد [۳]. سازمان جهانی بهداشت در تعریف سلامت می‌گوید: «سلامت عبارت است از تأمین رفاه کامل جسمی و روانی و اجتماعی، نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو.» به این ترتیب کسی را که بیماری جسمی نداشته باشد نمی‌توان فرد سالمی دانست، بلکه شخص سالم کسی است که از سلامت روح نیز برخوردار و از نظر اجتماعی در آسایش باشد [۳]. به نقل از محمد صادق شجاعی در کتاب *نظریه‌های انسان سالم با نگرش به منابع اسلامی*، سلامت به سطحی از عملکرد اشاره می‌کند که فرد با خود و سبک زندگی‌اش آسوده و بدون مشکل باشد. چنین مفهومی نیازمند رشد بهنجار و تعادل در تمام ابعاد وجودی فرد از نظر جسمانی، عاطفی، عقلانی و معنوی است. این ابعاد با یکدیگر ارتباط متقابل دارند؛ به‌گونه‌ای که مشکلات مربوط به یک بعد خاص چه‌بسا ممکن است فرد را با مشکل روبه‌رو سازد [۴].

علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان* می‌فرماید: «خداوند روح دمیده‌شده در انسان را به خود نسبت می‌دهد، این اضافه ملکی و تخصیصی است که باعث شکوهمندی و شرافت روح است» [۵]. همچنین، در تعریف نفس آورده‌اند که نفس عبارت است از آنچه انسان به‌واسطه‌ی آن انسان شده است و آن مجموع روح و جسم در این زندگی و روح در زندگی برزخی است [۵]. امام سجاد در *صحیفه‌ی سجادیه* می‌فرماید: «خطابات قرآنی با سه مقوله‌ی اخلاقی، احکام و اعتقادات به پیامبر (ص) نازل شده است و همه‌ی آن‌ها با بهداشت جسم و روان انسان ارتباط دارد و بالاتر از آن، اینکه نمی‌توان اخلاق و عبادات را از سلامت جسم و روان جدا کرد.» امام سجاد (ع) به این واقعیت اشاره می‌کند و می‌فرماید: «خدایا سلامت را روزی من قرار ده تا بتوانم عبادت کنم.» (*صحیفه‌ی سجادیه*، دعای ۲۰۰).

علایی و رضایی در مقاله‌ی «مبانی بهداشت و سلامت در *قرآن*» بیان کرده‌اند: «شایسته‌ی ذکر است که سلامت جسم ابزاری برای سلامت روح و نفس است تا جایی که مواد مصرفی آثار خود را در روح بروز دهد.» احکام تکلیفی اسلام نیز با سلامت انسان مرتبط است [۶]. حرکت روح در جهت تعالی با مصرف آنچه شرع حرام می‌داند مختل می‌شود و چه‌بسا بیماری‌ها را به دنبال داشته باشد. چنان‌که امروزه آثار مخرب مصرف الکل و گوشت خوک در جسم و روح انسان پذیرفته شده است [۷].

قرآن می‌فرماید: «از تو حکم شراب و قمار را می‌پرسند، بگو در آن دو گناهی است بزرگ و منافعی است برای مردم، اما اثر سوء آن دو (در دل‌ها) بیش از منافع آن‌هاست» (بقره/۲۱۹). همچنین، پیامبر (ص) فرموده‌اند: «در حرام شفایی نیست» [۸]. مصرف ماده‌ی حرام ممکن است تأثیری مثبت و محدود داشته باشد، اما با دیدی کل‌نگر آثار منفی آن بر وجود انسان اثبات‌پذیر است و اسلام به‌علت این آثار مخرب مصرف آن را حرام می‌داند. در این دستورها علاوه بر مطابقتشان با فطرت انسان، رابطه‌ی عمیقی بین جسم و روح لحاظ شده است. کاویانی در کتاب *روان‌شناسی در قرآن؛ مفاهیم و آموزه‌ها* می‌نویسد: «رابطه‌ی بین خوردن و آشامیدن از پاکیزه‌ها که عملی جسمانی است و انجام عمل صالح به‌عنوان فعلی با آثار آن‌جهانی در آیه مشهود است.» یعنی رابطه‌ی بین کارهای شایسته در جنبه‌ی باقی و فناناپذیر با جسم و دنیای فناپذیر رابطه‌ی علت و معلولی است و شایسته‌ی توجه و اهتمام است؛ بنابراین، سلامت جسمی و سلامت روانی از نگاه *قرآن* عبارت است از: بهرمندی فرد از وضعیت مطلوب جسمی، روان‌شناختی، اجتماعی و معنوی؛ به‌گونه‌ای که افراد را به زندگی رضایت‌بخش و سعادتمند رهنمون شود [۹]. ازاین‌رو، رعایت نکردن بهداشت و بی‌توجهی به سلامت و مراجعه نکردن به پزشک مساوی است با حرکت به‌سوی

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

مرگ تدریجی [۶] و مصداق آیه‌ای از *قرآن* است که می‌فرماید: «با دست خود، خود را به مهلکه نیندازید» (بقره/۱۹۵). اگرچه سلامت جسم و روان به‌خودی‌خود مطلوب انسان است، سلامتی از نظر اسلام مطلوبیت دارد که زمینه‌ی تعالی حقیقی و کمال شایسته‌ی انسانی را فراهم کند. در این میان مقربان و افراد باتقوا از مراتب سلامت روانی و معنوی برتر برخوردارند که از نشانه‌های آن آرامش درونی در دنیا و آخرت است [۱۰].

موارد گفته‌شده حداقل به دو نکته اشاره می‌کند: اول اینکه سلامت جسم و روان باید مانند یک کل به‌هم‌پیوسته در انسان لحاظ شود؛ بنابراین، درمان به معنای بازسازی جنبه‌ای از وجود انسان نباید موجب تخریب جنبه‌ی دیگر شود. دوم اینکه سلامت را باید فراتر از نبود درد و رنج جسمی و حتی روحی‌روانی دید. شناخت بیماری و در نتیجه اقدام برای سلامت در فرایندی منطبق با کمال انسانی تبیین می‌شود. طبق کلام رسول اسلام (ص)، پژوهش در سه مرحله‌ی شناخت‌شناسی که همراه با شناخت ابزار و مواضع تأثیر بیماری است، علت‌شناسی و سپس درمان‌شناسی بیماری پی گرفته می‌شود.

الف. شناخت‌شناسی بیماری

امروزه، بشر به‌رغم پیشرفت‌ها و اکتشافات حیرت‌آور درباره‌ی بیماری‌ها و درمان آن‌ها، به‌علت دوری از معنویت، دستورهای الهی و تعالیم پیامبران، در بحران بیماری‌های جسمی و روحی گرفتار شده است. اسلام به سلامت هر دو بعد جسمی و روحی توجه کرده است و تأثیر مستقیم سلامت افراد در سلامت جامعه بر کسی پوشیده نیست. دین جامع و مطابق فطرت اسلام دستورهایی برای سلامت فرد و اجتماع دارد که این نشان از اهمیت دادن به تأمین، حفظ و ارتقای سلامت است، به‌صورتی‌که کسب آن لازم است و انجام اعمالی که موجب بیماری شود نامطلوب دانسته شده است. خداوند در *قرآن* می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمت‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم بخورید و خدا را شکر کنید اگر تنها او را می‌پرستید» (بقره/۱۷۲). شاکر بودن انسان از نشانه‌های سلامت روان است و رابطه‌ی مستقیمی با استفاده از نعمت‌های پاکیزه دارد. همچنین می‌فرماید: «و (نیز) از دام‌ها حیوانات بارکش و حیوانات کرک و پشم‌دهنده را (پدید آورد). از آنچه خدا روزی‌تان کرده است بخورید و از پی گام‌های شیطان نروید که او برای شما دشمنی آشکار است» (انعام/۱۴۲). در این آیه خداوند به نوع تغذیه‌ی انسان اشاره می‌کند و استفاده از خوردنی‌های دیگر را تبعیت از شیطان و موجب هلاکت می‌داند. به‌علت وجود رابطه‌ی متقابل روح و جسم در کلام نبی مکرم اسلام (ص) و ائمه‌ی معصوم (ع) و با پیروی از آنان، حکمای اسلامی نیز در باب بهداشت جسم و درمان بیماری‌ها توصیه‌های دقیقی کرده‌اند؛ بنابراین، بخش مهمی از آموزه‌های اسلام ناظر به درمان بیماری جسم و روح انسان است. در حدیث مدنظر این مقاله پیامبر (ص) با صفت طبیب معرفی می‌شود، اما مشهود است که منظور اصلی دین و پیامبران درمان‌های جسمانی و سلامت مادی به‌تنهایی نیست؛ زیرا هدف از ارسال رسل دریافت، حفظ، ابلاغ و در ادامه تبیین معصومانه‌ی پیام‌های الهی بوده است تا راهی برای قرب به حیات طیبه و کمال انسانی باشد، هرچند تأثیر درمان‌ها و مواد مصرف‌شده از طریق جسم در نفس و روح امری بدیهی است. در این راستا شناخت ابزار و موضع تأثیر بیماری نیز مغفول نمانده است.

شناخت ابزار درمان

در مواجهه با مشکلات و بیماری‌ها به دو دسته عوامل برای رسیدن به موفقیت نیازمندیم: ۱. فراهم کردن اسباب درمان؛ ۲. آماده کردن اوضاع روانی خاص تا بتوان با بیماری و مشکل به‌وجودآمده مقابله کرد و آن را از بین برد. بنابراین، شناخت اسباب و ابزار درمان در مرحله‌ی شناخت‌شناسی بیماری از مقدمات است. در حدیث مدنظر از آماده‌سازی اوضاع روحی‌روانی بیمار صحبتی نشده است؛ بنابراین مقصود این مقاله نیست، اما به برخی از ابزارهای درمان اشاره می‌شود. امام (ع) در این خطبه برای اشاره به ابزار درمان از عناوین مرهم و داغ کردن محل بیماری استفاده می‌کند.

مراهم جمع مرهم به معنای داروهای نرمی است که بر زخم‌ها می‌گذارند و مواسم جمع میسم به معنای ابزاری است که با آن بدن انسان یا حیوان را داغ می‌نهند و وسم (بر وزن رسم) به آن اثری گفته می‌شود که از داغ کردن بر بدن انسان می‌ماند [۱]. داغ کردن محل زخم و بیماری کنایه از عملی است که پزشکان در آخرین مرحله‌ی درمان انجام می‌دهند. حضرت علی (ع) در این خطبه می‌فرماید: «پیامبر (ص) طبیبی است که به دنبال بیماران خود می‌گردد و برای درمان آن‌ها مرهم و ابزار داغ کردن برای محل زخم استفاده می‌کند.» ایشان با این کار به دنبال اثربخشی درمان و شفای انسان است. این قسمت از حدیث به جامعیت درمان پیامبر (ص) اشاره می‌کند که نخست برای درمان زخم‌های جان‌کاه از انواع مرهم‌های شفابخش استفاده می‌کند و در پایان کار، اگر هیچ مرهم و دارویی اثر نگذاشت، برای نجات جان بیمار ناچار محل زخم را داغ می‌کند و به این ترتیب وظیفه‌ی بشارت و انذار را به‌طور کامل انجام می‌دهد و به تعبیر دیگر، *قرآن* داروی شفابخش اوست. ایشان با آیات بشارت بر زخم‌های جان‌کاه قلوب مرهم می‌نهد و با آیات انذار زخم‌های علاج‌ناپذیر را داغ می‌کند [۱]. این توصیه مؤید این نکته است که در تربیت و علاج بیماری‌های روانی باید مرحله به مرحله عمل کرد. در ابتدا با زبان لین و نرم چون مرهم بر زخم اقدام کرد. اگر این ملایمت تأثیر نداشت، در مرحله‌ی بعد سخت‌گیری و شدت خواهد بود. این مراحل به‌صورت کامل با دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر مطابق است.

در همین راستا به مسئولیت افراد در برابر هم می‌توان اشاره کرد؛ چنان‌که رسول خدا (ص) می‌فرماید: «بدانید که همه‌ی شما سرپرست و رعیت‌دار هستید و همه درباره‌ی رعیت و زیردستان خود بازخواست می‌شوید.» فرمانروا سرپرست مردم است و مردم از او بازخواست می‌کنند. مرد سرپرست خانواده‌ی خویش است و باید

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

به آن‌ها پاسخ‌گو باشد و زن سرپرست خانه و فرزندان شوهر خود است و درباره‌ی آن‌ها باید پاسخ دهد [۱۱]. پیامبر (ص) به این مطلب اشاره می‌کند که هر کس مسئول امور مربوط و تحت سرپرستی خود است و از راه ایفای مسئولیت خود زمینه‌ی آرامش روانی انسان‌ها را فراهم می‌کند. وقتی که انسان بداند از او سؤال می‌شود، به ایفای صحیح نقش خود ترغیب می‌شود و در همین راستا کارها صحیح انجام خواهد شد که خود آرامش روانی افراد و جامعه را در پی دارد.

شناخت مواضع تأثیر بیماری

موضع تأثیر بیماری جسمی تمام بدن انسان است. جسم در طول حیات مادی خود در معرض گونه‌های متفاوتی از امراض قرار دارد و از تأثیر این بیماری‌ها رنجور می‌شود و به دنبال درمان می‌گردد. سیستم ایمنی بدن خودبه‌خود با عامل ناشناخته مبارزه می‌کند و در حد توان، اسباب خروج مزاحم و هلاکت آن را به وجود می‌آورد. رسول خدا (ص) در این زمینه می‌فرماید: «خود را مداوا کنید؛ زیرا خداوند متعال هیچ دردی نداد، مگر آنکه برایش شفایی نهاد، به‌جز مرگ و پیری (که دوایی ندارد)» [۱۲]. همچنین می‌فرماید: «خدایی که درد و بیماری را نازل کرد درمان را هم نازل می‌کند» (همان). ازآنجاکه صفت رحمانی و رحیمی خداوند در نظام ارزشی اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و ازآنجاکه انسان یقین دارد بیماری و درمان هر دو مخلوق خدا هستند، مسلمان هر لحظه منتظر نزول رحمت الهی است و ازآنجاکه رحمانیت با حکمت خداوند همراه است، مسلمان با روحی امیدوار و روانی آرام برای مقابله با مشکلات و بیماری‌ها آماده است. این کلام رسول خدا (ص) روحیه‌ی امیدآفرینی را در بیمار تقویت می‌کند و با پیگیری اسباب معالجه، درمان را نوید می‌دهد. اما در برخی موارد بدن توان مقابله با آثار ایجادشده‌ی بیماری را بدون کمک خارجی ندارد. در این زمان است که باید پزشک برای درمان بیماری به کمک بیمار بشتابد و با داروهای مناسب خود در دفع مزاحم به اعضای بدن و سیستم ایمنی آن کمک کند. چنان‌که در روایات آمده است: «تا وقتی که بدنت بیماری را تحمل می‌کند، از مصرف دارو بپرهیز و هرگاه آن را تحمل نکرد، به دارو روی آور» (همان). امام علی (ع) در سفارشی به فرزند خود، امام حسن (ع)، فرمود: «فرزندم، آیا چهار نکته به تو نیاموزم که با رعایت آن‌ها از طبیب بی‌نیاز شوی؟» عرض کرد: «چرا، ای امیر مؤمنان.» حضرت فرمود: «تا گرسنه نشده‌ای بر سر سفره‌ی غذا منشین و تا هنوز اشتها داری از سر سفره برخیز و غذا را خوب بجو و قبل از خوابیدن، قضای حاجت کن. اگر این نکات را رعایت کنی، از مراجعه به طبیب بی‌نیاز می‌شوی» [۱۲]. در آموزه‌های دینی علاوه بر توصیه به استفاده یا پرهیز از برخی غذاها و بعضی کارها برای سلامت جسم، به آثار معنوی آن‌ها نیز اشاره شده است؛ از جمله در روایات آمده است: «غذا خوردن با خدمتکاران از تواضع است؛ پس بهشت در انتظار کسی خواهد بود که با آن‌ها غذا بخورد» [۱۲]. طبق این حدیث هم‌نشینی با فقرا و غذا خوردن با آن‌ها در هموار کردن راه رسیدن به بهشت تأثیر دارد. همچنین گفته‌اند که غذا هرگاه چهار ویژگی داشته باشد کامل است: آن‌گاه که از حلال باشد، دست‌ها زیاد باشند، در آغازش نام خدا برده شود و در پایانش حمد خداوند عز و جل گفته شود [۱۲]. بنابراین، بهترین خوراکی از جهت لذت یا از جهت تأثیر در بدن و تقویت اعضا و جوارح، علاوه بر اینکه باید حلال باشد و آغاز و پایانش با نام پروردگار و حمد او باشد، همان غذایی است که عده‌ای با صفای باطن در کنار هم از آن تغذیه می‌کنند و تأثیر معنوی خود را در آن‌ها به جا می‌گذارد. غیر از مثال‌های ذکرشده، موارد بسیاری در کلام معصومان (ع) از نحوه‌ی علاج بیماری‌های جسمی و توجه به سلامت فیزیکی و آثار معنوی رفتار بهداشتی دیده می‌شود، اما چون این مقوله از اهداف پژوهش خارج است، درباره‌ی آن بحث نمی‌شود. فرایند تأثیر، مواجهه و مبارزه در بیماری‌های روحی به همین صورت تکرار می‌شود، با این تفاوت که توانایی مبارزه با عامل بیماری روحی باید قبلاً آماده شده باشد؛ بنابراین، مبارزه با بیماری‌های روحی‌روانی علاوه بر توانایی مبارزه، به شناخت مواضع تأثیر بیماری و استفاده از بهترین درمان در دفع بیماری احتیاج دارد. اکنون با دقت در کلام رسول خدا (ص) به ارزیابی مواضع ذکرشده در حدیث از حیث تأثیر و نتیجه‌ی بیماری پرداخته می‌شود.

قلب، چشم، گوش و زبان

انسان با جهان به‌وسیله‌ی اندام‌های گیرنده و پاسخ‌دهنده‌ی بدن رابطه برقرار می‌کند. این اندام‌ها در نقش ابزارهایی برای ایجاد و بروز احساسات، ارزشمندند. این اندام‌ها علاوه بر مبتلا شدن به بیماری‌هایی که مربوط به ساختار مادی آن‌هاست، ممکن است جایگاهی برای بیماری‌های روان باشند. چنان‌که در تفسیر و توضیح حدیث مدنظر عنوان شد، پیامبر اکرم (ص) بعد از پیدا کردن بیمار و آماده کردن وسایل درمان، مواضع تأثیر بیماری‌ها را شناسایی می‌کند تا بتواند درمان مخصوص آن را در جای مناسب بکار ببرد. این حدیث به مواضع بیماری روحی در قلب، گوش و زبان اشاره می‌کند و نتیجه‌ی بیماری قلب را کوری، نتیجه‌ی بیماری گوش را کری و نتیجه‌ی بیماری زبان را لالی می‌داند. آیات *قرآن* نیز به این مواضع از حیث بیماری آن‌ها، که موجبات غفلت را فراهم کرده است، اشاره می‌کند. خداوند در *قرآن* می‌فرماید: «و در حقیقت بسیاری از جنیان و انسان‌ها را برای دوزخ آفریده‌ایم. دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند و چشمانی دارند که با آن‌ها نمی‌بینند و گوش‌هایی دارند که با آن‌ها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان، بلکه گمراه‌ترند. آری آنان غافلان‌اند» (اعراف/ ۱۷۹). آیه درصدد بیان این نکته است که این افراد از مواهب خدادادی و ابزار معرفت و شناخت، یعنی قلب و گوش و چشم، بهره نمی‌گیرند و سرنوشتی جز دوزخ ندارند [۱۳] و به‌هرحال بیانگر این واقعیت است که سرانجام جهل و از کار انداختن وسایل و ابزار شناخت چیزی جز آتش جهنم نخواهد بود [۱۳]. همچنین می‌فرماید: «بدترین جنبندگان نزد خداوند افراد کر و لالی هستند که تعقل نمی‌کنند»

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

(انفال/ ۲۲). این آیه نیز مانند آیه‌ی قبل بیان می‌کند که هرگاه انسان از اسباب و ابزار شناختی که خدا در اختیارش قرار داده است استفاده نکند، چنان سقوط می‌کند که از تمام جنبندگان روی زمین پست‌تر می‌شود» [۱۳]

قلب وسیله‌ی دیدن نیست، اما ادراک و فهم و به‌صورت کنایی، بینایی به قلب نسبت داده می‌شود؛ چنان‌که در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است: «اگر شیطان‌ها بر گرد دل‌های آدمیان نمی‌گشتند، هرآینه انسان‌ها ملکوت را می‌دیدند» [۱۲]. وقتی که رسول مکرم اسلام (ص) می‌فرماید «قلب‌هایی که نمی‌بینند»، کنایه از ادراک نکردن است. در برخی موارد هم با وجود ادراک حقایق، مراد از ندیدن خود را به کوری زدن است و این بی‌اعتنایی در جهت مخالف حق حرکت کردن تعبیر می‌شود. از همه دردناک‌تر وقتی است که انسان از بیماری خود آگاهی ندارد و منشأ آن را نمی‌داند؛ پس در پی علاج نیز برنمی‌آید. از مباحثی که بیان شد اهمیت قلب به‌عنوان جایگاه روح و روان و محل ادراک معلوم می‌شود و اینکه رسول خدا (ص) به علاج بیمارانی می‌پردازد که کورند دلالت بر این دارد که نابینایی دل ریشه‌ی همه‌ی مرض‌هاست. نسبت نابینایی دل با هزاران چراغی که علم و تجربه و مشاهدات در مغز آدمی روشن می‌سازد، مانند نسبت نابینایی چشم طبیعی با نور خورشید عالم‌افروز است [۲].

اکثر چیزهایی که از جهان یاد گرفته‌ایم مربوط به حس بینایی است. حقیقتاً بینایی بر حس‌های دیگر غالب است و نقش برتری بازی می‌کند [۱۴]. هرگونه نقص در عملکرد چشم نقص‌های ارتباطی دیگری در پی خواهد داشت [۱۴]، اما راه‌ها فقط کوچه و خیابان نیستند که برای دیدنشان چشم طبیعی لازم باشد؛ هم بصر لازم است هم بصیرت، هم کوری ضایعه است هم کوردلی. فاصله‌ی بینایی تا بینش بسیار زیاد است. کسانی چشم سر دارند، اما چشم دلشان کور است و با این کورباطنی راه خیر و هدایت را نمی‌بینند و در گمراهی و ضلالت به سر می‌برند.

دستگاه شنوایی انسان یکی از حواس مهم اوست؛ زیرا همراه با زبان، در ایجاد ارتباط اجتماعی نقش بارزی دارد و به همین علت از دست دادن شنوایی غالباً سبب اختلال در رفتار می‌شود (همان، ۸۰). امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: «همانا تو را دلی است و گوش‌هایی. هرگاه خداوند بخواهد بنده‌ای را هدایت کند، گوش‌های دل او را باز می‌کند و هرگاه جز این برای او بخواهد، گوش‌هایش را می‌بندد و دیگر هرگز اصلاح نمی‌شود و این است معنای سخن خداوند متعال که می‌فرماید "یا بر دل‌هایشان قفل‌هاست" (محمد/ ۲۴)» [۱۲].

واژه‌ی فواد به معنای قلب ۱۶ بار در *قرآن* آمده است و در ۹ بار با حواس شنوایی و بینایی همراه است که مسئولیت انسان در قبال این حواس را متذکر می‌شود. نیرویی از درون انسان از او سؤال می‌کند و *قرآن* مسئول بودن انسان را در نتیجه‌ی عملکرد صحیح و بهینه‌ی حواس او، از جمله گوش و چشم و قلبش می‌داند و می‌فرماید: «از گوش و چشم و قلب همه پرسش می‌شود» (اسراء/ ۳۶). بازخواست‌کننده همان خداوند حکیم است؛ زیرا *قرآن* می‌فرماید: «پس سوگند به پروردگارت که از همه‌ی آنان سؤال خواهیم کرد» (حجر/ ۹۲). آیات بیانگر این نکته است که انسان در قبال اعمالش مسئول است و بازخواست می‌شود و این تذکری به انسان برای تقویت مسئولت‌پذیری اوست. ابزار ادراک همین اعضای بدن مانند چشم و گوش و قلب هستند.

زبان همان آلت گفت‌وگوی انسان است که با واژه‌ی لسان در *قرآن* و روایات از آن یاد می‌شود و از ابزارهای مهم ارتباطی انسان با دیگران است و وسیله‌ی بیان تفکرات و باورهاست. در *قرآن*، بالغ بر ۲۰ مرتبه از کلمه‌ی «لسان» و مشتقات آن استفاده شده است. *قرآن* زبان را عضوی از بدن انسان می‌داند و گاهی از آن به وسیله‌ای برای هدایت انسان‌ها یا از تنوع زبان به نشانه‌ای الهی که باعث شناخت می‌شود یاد می‌کند. سوره‌ی قصص به تأثیر نفوذ کلام اشاره می‌کند و می‌فرماید: «و برادرم، هارون، از لحاظ بیان و فصاحت کلام بر من برتری دارد؛ پس او را برای تصدیق و تأیید من همراه من بفرست؛ چون بیم دارم که مرا تکذیب کنند و من از عهده‌ی پاسخ‌گویی برنیایم» (قصص/ ۳۴). بنابر اعتقاد مسلمانان، مردم در قیامت برای بازپرسی از اعمال خویش در درگاه الهی ظاهر می‌شوند؛ در نتیجه خداوند به انسان هشدار می‌دهد که مراقب اعمال خود باشد در روزی که حتی زبان، دست و پا هم شهادت می‌دهند: «در آن روز که زبان‌ها و دست‌ها و پاهایشان علیه آنان درباره‌ی اعمالی که مرتکب شده‌اند گواهی می‌دهند» (نور/ ۲۴). همچنین می‌فرماید: «آن‌هایی که از قوم بنی‌اسرائیل کافر شدند، [به امر خداوند] به زبان داوود و عیسی پسر مریم لعنت شدند، این مجازات به سزای نافرمانی [از امر خداوند و پیامبران] و تجاوزگری مصرانه‌ی آن‌ها مقرر شد» (مائده/ ۷۸). با دقت در آیات جایگاه زبان مشخص می‌شود و با توجه به فراوانی روایات از ذکر آن‌ها خودداری می‌شود.

ب. علت‌شناسی بیماری

حفظ سلامت انسان و در صورت بیماری، درمان مناسب از مسائل بسیار مهم در جوامع بشری است؛ زیرا سلامت جسم و روح انسان موجب راحتی و دوری از ناخوشی‌ها می‌شود و به‌خودی‌خود مطلوب است. تنوع ابعاد وجودی انسان موجب متنوع بودن علت‌های بیماری و در نتیجه تنوع راه‌های درمان آن‌هاست؛ لذا بدون شناخت ابعاد وجودی انسان تأثیرات متقابل آن‌ها بر یکدیگر و در پی آن، یافتن علت‌های ایجادکننده‌ی بیماری و تدوین دستورالعمل‌هایی برای پیشگیری و درمان با مشکل مواجه می‌شود و گاهی آسیب‌زاست. نظام سلامت در صورتی وظیفه‌ی خود را به‌خوبی انجام خواهد داد که با نگاهی کل‌نگر به همه‌ی جوانب وجودی انسان و به این نکته توجه داشته باشد که وجود آدمی نظام‌مند است و جدایی تن و روان یا بدنیات و نفسانیات در او وجود ندارد [۱۴].

سلامت معنوی جدیدترین بعد شناخته‌شده‌ی سلامت است و اکنون در کنار ابعاد دیگر سلامت، مانند سلامت جسمی، روانی و

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

اجتماعی قرار گرفته است [۱۵]. وقتی سلامت معنوی به‌طور جدی به خطر بیفتد، فرد ممکن است دچار اختلالات روحی مثل احساس تنهایی، افسردگی و از دست دادن معنا در زندگی شود؛ بنابراین، حمایت منابع معنوی یا مذهبی و برقراری ارتباطی قدرتمندتر سودمند است و می‌تواند در بهبود کیفیت زندگی، کاهش و کنترل اختلالات سلامت روان، حمایت بین‌فردی، کاهش شدت علائم و نتایج مثبت پزشکی مؤثر باشد [۱۵].

در مجموع می‌توان گفت که معنویت و سلامت معنوی نقش عمده‌ای در سلامت روانی و جسمی افراد دارد و راهکاری سودمند برای مقابله با مشکلات روانی به حساب می‌آید. انسان همیشه به موضوع معنویت توجه کرده است و معنویت جزو نیازهای درونی وی به شمار می‌آید. برخی از صاحب‌نظران آن را متضمن زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی و تلاش برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌دانند [۱۶].

انسان‌ها صرف‌نظر از باورها و اعتقادات، از درد گریزان و طالب راحتی، آسایش و سلامت‌اند، اما چنان‌که گفته شد، اسلام به سلامت نگاهی فراتر از مطلوبیت ظاهری و منحصر به جسم و روان دارد و آن را برای کمال انسانی شایسته می‌داند؛ بنابراین، موانع کمال را مطلوب نمی‌داند و درصدد رفع آن است. انسانِ غافل از حقیقت خود در حیطه‌ی جهان مادی چیزی جز سلامت جسم نمی‌بیند و چه‌بسا حتی به بیماری خود نیز توجه نداشته باشد. با این توضیحات اهمیت کشف علت و عامل بیماری و پی بردن به روش درمان مشخص می‌شود و این مهم در بیماری‌های روحی‌روانی نمود بیشتری خواهد داشت. درمان‌شناسی بیماری در قسمت بعد تبیین خواهد شد، اما علت‌شناسی با توجه به حدیث مدنظر و انحصار آن به بیماری روحی‌روانی، در دو مقوله‌ی غفلت و حیرت انسان در ادامه بررسی خواهد شد. طبق مطالعه‌ای با عنوان «تبیین شیوه‌های آموزش سلامت با بهره‌گیری از تعالیم اسلامی»، سلامت نیاز اساسی انسان است و لازمه‌ی آن انجام وظایف دینی است [۱۷].

در حدیث علت بیماری روانی انسان غفلت و در حیرت بودن انسان به معنای سرگردانی و پیدا نکردن راه درست عنوان می‌شود. چنان‌که مشهود است، علت بیماری‌های روانی بسیار است، اما غفلت و سرگردانی را می‌توان به‌عنوان شاخص و شاید مهم‌ترین علت بررسی کرد.

غفلت و حیرت

غفلت مفهوم وسیع و گسترده‌ای دارد که هرگونه بی‌خبری از وضعیت زمان و مکانی را که انسان در آن زندگی می‌کند و از واقعیت‌های فعلی و آینده و گذشته‌ی خویش و از صفات و اعمال خود و پیام‌ها و آیات حق و همچنین هشدارهایی را که حوادث تلخ و شیرین زندگی به انسان‌ها می‌دهد شامل می‌شود [۱۸]. این نکته درخور توجه است که واژه‌ی غفلت در جایی به کار می‌رود که اسباب و مقدمات آگاهی فراهم باشد؛ اما انسان در اثر هوای نفس یا ضعف ایمان یا علل دیگر آن‌ها را نادیده می‌گیرد [۱۸]. بنابراین، یکی از روش‌های درمان بیماری روانی برطرف کردن حالت بی‌خبری و غفلت انسان است. انسان غافل از دنیا و آنچه در آن است، از جمله غافل از دیگر انسان‌ها، فقط به فکر رفع نیازهای خود است و خودخواهی در او نمود پیدا می‌کند. انسان غافل از آخرت تمام کوشش خود را به این دنیا معطوف می‌کند و برای دنیای باقی توشه‌ای نخواهد داشت. *قرآن* می‌فرماید: «از زندگی دنیا ظاهری را می‌شناسند و حال آنکه از آخرت غافل‌اند» (روم/ ۷). آیه‌ی شریفه رابطه‌ی بین توجه به ظاهر دنیا و غفلت از آخرت را عامل مضر برای انسان عنوان می‌کند. همچنین می‌فرماید: «و هر کس از یاد خدا روی‌گردان شود، شیطان را به سراغ او می‌فرستیم؛ پس همواره قرین اوست» (زخرف/ ۳۶). ذکر و یادآوری ضدغفلت است. یاد نکردن خداوند همان غفلت از اوست که آیه‌ی شریفه آن را مذمت کرده است. غفلت از یاد خدا قلب انسان را می‌کشد؛ در نتیجه اندرزها تأثیری در آن نمی‌گذارد و در چنین حالتی راه بازگشت بسته خواهد شد.

چنان‌که گفته شد، *قرآن* غفلتی را که باعث می‌شود دل، چشم و گوش انسان وظیفه‌ی خود را صحیح انجام ندهد نیز مذمت می‌کند: «به‌یقین، گروه زیادی از جن و انس را برای دوزخ آفریدیم. آن‌ها دل‌هایی (عقل‌هایی) دارند که با آن [اندیشه نمی‌کنند و] نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آن‌ها همچون چهارپایان‌اند، بلکه گمراه‌تر. اینان همان غافلان‌اند [زیرا با داشتن همه‌ی امکانات هدایت، بازهم گمراه‌اند» (اعراف/ ۱۷۹). بنابراین، آیه عامل اصلی بدبختی را غفلت می‌داند؛ غفلتی که از وانهادن اندیشیدن، نداشتن چشم بصیرت و گوش شنوا سرچشمه می‌گیرد و انسان را به مرحله‌ای می‌کشاند که از چهارپایان نیز فروتر خواهد بود. همچنین، غفلت موجب هلاکت انسان می‌شود؛ چنان‌که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «هر کس غفلتش به درازا بکشد، هلاکتش شتاب می‌گیرد» [۱۲]. تفاوت غفلت با نادانی در این است که غفلت مسبوق به علم یا امکان به دست آوردن علم است، درصورتی‌که جهل اگر از روی تقصیر باشد، نوعی مرض محسوب می‌شود؛ یعنی جاهل با اینکه می‌توانست علم به دست بیاورد، تقصیر کرده است و به جهل خود ادامه می‌دهد، نه جهلی که ناشی از ناتوانی انسان در به دست آوردن علم است [۲]. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نشانه‌های غافلان ذکر شده است. ایشان می‌فرماید: «نشانه‌های غافل چهار چیز است: نابینایی [وبستن چشم به روی حقایق]، سهو، لهو و نسیان [به‌گونه‌ای که گرفتار فراموش‌کاری و سردرگمی در شهوات و توجه نکردن به آینده‌ی خویش می‌شود]» [۱۸]. با توجه به این کلام، در حدیث مدنظر بیماری سرگشتگی و حیرت زیرمجموعه‌ی غفلت خواهد بود و انسان غافل در حیرت و سردرگمی غوطه‌ور می‌شود؛ بنابراین امام (ع) اشاره می‌کند که پیامبر (ص) با درمان دل‌های بیمار، گوش‌های کر و زبان‌های گنگ بیماری غفلت انسان را درمان می‌کند و دریچه‌های معرفت را به روی انسان می‌گشاید.

دهخدا حیرت را سرگشتگی، سرگردانی، حیرانی و آشفتگی ترجمه می‌کند [۱۹]. همچنین، در *فرهنگ معین* از حیرت به

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

سرگشتگی و سرگردانی تعبیر می‌شود [۱۹]. شخصیت سالم ارزش‌ها و اولویت‌های مشخصی دارد. روشن بودن ارزش‌ها و اولویت‌ها کمک می‌کند که او در انتخاب‌ها سردرگم و دودل نشود؛ در نتیجه در مقابل محرک‌ها و وقایع واکنش چنین فردی روشن و واضح است و افرادی که با او سروکار دارند نیز سردرگم نیستند و تکلیفشان روشن است [۲۰]. بنابراین، منظور از حیرت همان حالت تردید اضطراب‌انگیز است که از حرکت در طریق مستقیم برای وصول به اهداف حیات طیبه جلوگیری می‌کند [۲]. به‌جرئت می‌توان گفت این بیماری روحی ناگوارترین و مخرب‌ترین بیماری است و انسان را بیچاره و تباه می‌کند [۲].

توجه به این نکته نیز لازم است که مواضع غفلت و مواطن حیرت با هم متفاوت است. غفلت در جایی گفته می‌شود که انسان توجه به چیزی ندارد و خطرهایی را که در اطرافش هست نمی‌بیند یا شبیه بیماری‌هایی است که بدون داشتن درد ناگهان بر وجود انسان مسلط می‌شود و راه بازگشت ندارد، اما مواطن حیرت جایی است که انسان توجه به خطرها دارد، اما راه مقابله با آن‌ها را نمی‌داند [۱].

ج. درمان‌شناسی بیماری

بیان شد که سلامت و بیماری با توجه به ابعاد وجودی انسان معنا پیدا می‌کند. فردی با شاخصه‌های مادی سلامت ممکن است از حق منحرف شود و حتی منشأ انحرافاتی در جامعه باشد. از منظر دین چنین فردی نه‌تنها بیمار است، بلکه بیماری‌اش سرایت‌کننده است و ممکن است سلامت روحی افراد جامعه را به خطر بیندازد؛ بنابراین، درمان‌شناسی با توجه به جنبه‌ی ارتباطی بین وجود جسمانی و روحانی انسان اهمیت دارد و این دو حوزه قابل مرزبندی و تفکیک کامل از هم نیستند. جداانگاری در تعیین شاخص‌های سلامت و تلاش برای دستیابی به راه‌های درمان و رسیدن به سلامت واقعی اثر منفی می‌گذارد و بدون شناختن بعد اصیل و حقیقی انسان، امکان خطا در درمان و به مخاطره افتادن سلامت بیمار وجود دارد.

اسلام ضمن ایجاد انگیزه برای کشف و درمان بیماری‌ها، از مصرف نابجای شیوه‌های درمانی در موارد غیرضروری افراد را برحذر می‌دارد و درعین‌حال کوشش‌ها را به‌سوی شناخت و کاربرد شیوه‌های پیشگیری سوق می‌دهد [۱۷]؛ لذا از کلام پیامبر (ص) در حدیث مذکور می‌فهمیم که راه پیشگیری و درمان بیماری غفلت، که در اعضای انسان مانند دل، گوش و زبان نمود دارد، و درمان حیرت، که در روح و روان انسان رسوخ می‌کند، بینا کردن دل، شنوا کردن گوش و صدق‌گویی زبان با حکمت و دانش است.

شاخص‌های سلامت روان در آموزه‌های اسلامی

اگرچه میان انسان سالم و انسان غیرسالم از بعد جسمی و روحی تفاوت وجود دارد، باید شاخص‌هایی برای سلامت تعریف شود تا بتوان آن‌ها را رصد کرد و معیارها را با انسان‌های سالم تطبیق داد. کسی شخصیت سالم دارد که با طبیعت خود و طبیعت هستی در صلح و آشتی است. او به‌جای شنا کردن برخلاف جهت موج، سوار بر موج می‌شود. در مقابل طبیعت نمی‌ایستد، بلکه طبیعت را درک می‌کند و انرژی آن را به کار می‌گیرد و استخدام می‌کند؛ بنابراین، شخصیت سالم با هویت جنسی طبیعی خود در ستیز نیست [۲۰]. طبق مطالعه‌ای با عنوان «جست‌وجوی مفهوم سلامت معنوی و شاخصه‌های انسان سالم در ادیان و آیین‌های مختلف» در سال‌های اخیر به سلامت بر اساس بعدهای جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی توجه شده است و برای شناخت سلامت معنوی لازم است شاخصه‌های انسان سالم شناسایی شود [۱۷]. از سویی، باید در تعیین شاخصه‌های سلامت از کلی‌گویی بی‌ثمر پرهیز کرد و از سوی دیگر، نباید از آرمان‌های به‌دست‌آمدنی و توانایی‌های انسان غفلت کرد [۲۱].

اگر انسان را موجودی دوبعدی بدانیم که مرکب از جسم و روح است، که در حقیقت هم همین است، سلامت او نیز تابع سلامت هر دو خواهد بود؛ لذا خداوند در *قرآن* از نگاه منحصر به جسم و زندگی دنیایی پرهیز داده است و می‌فرماید: «پس از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو خود به حال کسی که از راه او منحرف شده داناتر و او از کسی که راه یافته نیز آگاه‌تر است» (نجم/ ۳۰). *قرآن* برای تغییر افکار و گرایش‌های انسان و هدایت به خیر و صلاح نازل شد و در پایه‌ریزی نظام زندگی مردم و همچنین در نظام روابط آن‌ها در جامعه تغییرات شگرفی ایجاد کرد که در نهایت در تغییر رفتار افراد مؤثر واقع شد. *قرآن* توانست اکثر مسلمان‌ها را به انسان‌هایی متعادل، آرام و باطمأنینه تبدیل کند و با نیرویی که از این تغییرات حاصل شد، مسیر تاریخ را عوض کند. *قرآن* شاخص سلامت را این‌چنین بیان می‌کند: «آگاه باشید با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌گیرد» (رعد/ ۲۸). به این معنا که تنها راه اطمینان قلبی یاد خداوند است؛ پس باید با تمام قلب متوجه او باشیم و خدا را حاضر و ناظر به اعمال و افکار خود بدانید.

بدیهی است که شاخص‌های سلامت روان به جهان‌بینی انسان بستگی دارد و تابع تفسیری است که مکاتب از انسان، جهان و نوع ارتباط آن‌ها با هم ارائه می‌کنند. همچنین، تعداد این شاخص‌ها محصور به حصر عقلی نیست و طبق معیارهای گوناگون می‌توان آن‌ها را توسعه داد یا محدود کرد. شایسته‌ی ذکر است که هرچه معیارها به صفات انسان کامل نزدیک‌تر باشد، سلامت پررنگ‌تر می‌شود و برعکس آن نیز صادق است.

نتیجه‌گیری

پیامبر گرامی اسلام (ص) با بهره‌جویی از وحی برای سلامت انسان‌ها فرمان‌های جامعی دارد که به تمام جنبه‌های وجودی انسان و تجانس میان نیازهای آن‌ها مربوط می‌شود و با دستورهای تشریعی *قرآن* کریم سازگار است. ازآنجاکه آموزه‌های دینی علاوه بر *قرآن* در احادیث نمود دارد، برای پی بردن به حقایق شریعت

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]

کنکاش و بررسی روایات ضروری است. انسان با دو بعد جسمی و روحی در معرض بیماری‌ها قرار دارد و لازم است دین برای علاج آن‌ها تمهیدات مناسبی ارائه کند. خطبه‌ی ۱۰۸ *نهج‌البلاغه* با بیان صفات و ویژگی‌های معصوم، به‌خصوص پیامبر، آنان را به طبیبی تشبیه می‌کند که به دنبال درمان بیماری انسان‌ها هستند و با شناسایی مواضع تأثیر بیماری درصدد علاج آن برمی‌آیند. بیماری روحی‌روانی اگر از بیماری جسمی مهم‌تر نباشد، کم‌اهمیت‌تر از آن نیست و به تشخیص و درمان صحیح نیازمند است. برای درمان بیماری غفلت و سردرگمی لازم است درمان‌ها متوجه قلب، گوش و زبان انسان باشد و در این درمان مراتب علاج از درجات نرمی تا شدت و سختگیری رعایت شود.

تشکر و قدردانی

قدردانی از شخص خاصی در اینجا وجود ندارد.

تضاد منافع

در این پژوهش هیچ‌گونه تضاد منافعی برای نویسندگان وجود ندارد.

ملاحظات اخلاقی

در تدوین مقاله‌ی حاضر اصل امانت‌داری و صداقت در استناد به متون، اصالت منابع و پرهیز از جانب‌داری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها رعایت شده است.

سهم نویسندگان

گیتی کلایی و پری دوان علامه زاده: نویسنده، مریم شمسایی: نویسنده‌ی مسئول.

حمایت مالی

نویسنده‌ها هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکردند.

REFERENCES

1. Makarem Shirazi, N.The message of Imam Amir al-Mominin (a.s.) a new and comprehensive commentary on Nahj al-Balagheh. *Qom, Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib*.2011;**4**: 504-18. Link
2. Jafari M.Explanation of Nahj al-Balagheh. Tehran, Islamic Culture Publishing House. 1997;**19**:6169-71. Link
3. Misbah M.Spiritual health from the perspective of Islam", second edition, Tehran, Legal Publications. 2013:.20-30. Link
4. Shujaei M S.Theories of a healthy person with an attitude towards Islamic sources.Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute (RA). 2009:46. Link
5. Tabatabaei MH.Translation of Tafsir al-Mizan. Qom: Islamic Publications.1988;12:228. Link
6. Alaei, Hossein Ali, Rezaei, Hasan Reza.Basics of Health and Health in the Qur'an.scientific and promotional bi-quarterly of the Qur'an and Science. 2013;12:125-143. Link
7. Topley W. W. C,Wilson,Sir Graham S. Topley and Wilson Microbiology and Microbial infections.10rd ed. London: Hodder Arnold. 2006.Link
8. Majlisi Mohammad Baqir, Bihar al-Anwar, Beirut, Al-Wafa Institute, 2024.57:162. Link
9. Kaviani M.Psychology in the Qur'an, Concepts and Teachings. 11th edition. Qom.Hozha and University Research Center. 2017:219. Link
10. Tabibi A, Zamaniyan Najafabadi F. Mental health development strategies from the perspective of the Qur'an. *IHJ*. 2020; 5(1) :63-75. Link
11. Mohammadi Ray Shahri M.Science and Wisdom in the Qur'an and Hadith.first edition, Tehran, Dar al-Hadith Publishing House. 2019:711. Link
12. Mohammadi Ray Shahri M.Selected Mizan al-Hikma translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith, 2011. Mohammadi Ray Shahri, Mohammad, "Selected Mizan al-Hikma", translated by Hamid Reza Sheikhi, Qom, Dar al-Hadith. 2011:1-6. Link
13. Makarem, Shirazi, Nasser.Ethics in the Qur'an", first edition. Qom, Madrasa al-Imam Ali bin Abi Talib. 1998:1-17. Link
14. Saatchi Mahmoud. Psychological knowledge of questions and answers. first edition. Tehran, Science Publishing. 2017:76-79. Link
15. Raghib M, Ahmadi J. AS The attitude of spiritual Esfahan University students and its association with certain demographic characteristics. *J Educ Psychol*. 2007;**5**(8):39-56. Link
16. Mahbobi M, Etemadi M, Khorasani E, Ghiasi M. The relationship between spiritual health and social anxiety in chemical veterans. *J Mil Med*. 2012;**14**(3):186-91. Link
17. Pour Sadeghian M, Motamedi V, Dargahi A, Waziri Y, Abbasi M.Review of Islamic teachings on the health of soul and body.*Islam and Health magazine*.2018;**4**(1): 46-52.Link
18. Makarem Shirazi N.The message of the Qur'an: a new method in the thematic interpretation of the Qur'an. Tehran, Dar al-Kitab al-Islamiyeh. 1998;2: 221-29. Link
19. Dehkhoda A.Medium culture of Dehkhoda.under the supervision of Jafar Shahidi, Tehran. Tehran University Press. 2018. Link
20. Sargolzaei Mohammad Reza. Salem character. Tehran. Qatre publication. 2016:28-65.Link
21. Firouzi Reza.Analytical examination of the anthropological foundations of health from the perspective of Islamic teachings.*Journal of Bioethics*. 2016;7(24): 17. DOI: 10.22037/bioeth.v7i24.17282

[Downloaded from aijrh.umsha.ac.ir on 2026-10-30]